

تبیین چیستی و چگونگی پژوهش انتقادی در فلسفه تعلیم و تربیت از منظر رئالیسم انتقادی روی باسکار

مجتبی پورکریمی

بیان مساله:

در عرصه تعلیم و تربیت و خصوصا پژوهش های تربیتی زمانی که سخن از به کارگیری انتقاد (متاثر از مارکسیسم و نومارکسیسم) به عنوان روشی پژوهشی به میان می آید، تصویری منفی از آن در ذهن شکل می گیرد. تصور منفی به این معنی که استفاده از اصول مارکسیسم و نومارکسیسم صرفا ماهیتی انتقادی و نفی کننده می تواند داشته باشد، بدون هیچگونه راهکار و نگاهی مثبت و فرارونده. با توجه به نگاه قالب بر رویکردهای پژوهشی که به دنبال روشمندی و قانده مندی به منظور شناسایی، حل و اصلاح مسائل تربیتی هستند، این نگاه منفی مورد توجه قرار نخواهد گرفت. از این رو باید به دنبال روش و رویکردی مثبت و فرارونده در دیدگاه های انتقادی بود. دیدگاهی که علاوه بر اصل انتقاد، دارای رویکردی علمی و روشمند نیز باشد.

رویکرد باسکار، زمینه و ضرورت پرداختن به بحث های او را در عرصه تعلیم و تربیت و پژوهش های تربیتی فراهم می نماید. در تعلیم و تربیت و پژوهش های تربیتی به دو طریق می توان از آراء باسکار استفاده نمود که شامل 1- شناخت، تبیین و حل مسائل درونی تعلیم و تربیت، که شامل نقد ساختارها و عوامل محدودکننده عملکرد تربیتی و رسیدن به حقیقت نهفته و پنهان شده در زیر ساختارها و اصلاح ساختارها به منظور بهبود فرایند تعلیم و تربیت و حل مسائل تربیتی می باشد. 2- شناخت، تبیین و حل مسائل بیرونی ولی اثر گذار بر حیات بشری و تعلیم و تربیت مانند مسائل محیط زیست، بحران های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی می باشد.

ضرورت پرداختن به رویکرد و روش تحقیق بر اساس رئالیسم انتقادی از آن جهت است که نمی توان در برابر رویدادها و مسائل درونی تعلیم و تربیت و رویدادهای و مسائل بیرونی تعلیم و تربیت ولی تاثیر گذار بر روند تعلیم و تربیت و حیات بشری صرفا با نگاهی تفسیری و یا تجربی محض عمل نمود. علت ان این است که وقایع همواره متشکل از دو بعد هستند، یک بعد طبیعی



و واقعی و دیگری بعد انسانی و اجتماعی و یا به تعبیر بعد لازم و متعددی (باسکار، 2009؛ 67). در نتیجه برای فهم امور باید هر دو بعد را مورد توجه قرار داد، یعنی وقایع علی و کنش و فهم عاملان و ساختارهای اجتماعی.

سوالات پژوهش

- 1- روش پژوهش انتقادی در دیدگاه رئالیسم انتقادی چه ماهیتی دارد؟
- 3- استلزامات پژوهش تربیتی انتقادی در چارچوب رئالیسم انتقادی چگونه تبیین می‌یابد؟

چارچوب نظری

باسکار معتقد است 1- باید به تمایز بین ساختارها و رویدادها، ابعاد واقعیت و بالفعل پرداخت. 2- با رویکردی استعلایی باید نشان داد که جهان دارای حقایق و لایه‌های واقعی می‌باشد. 3- حقایق از طریق مکانیسمی علی و زایا همراه با کنش عاملان اجتماعی منجر به خلق ساختارها و رخدادها می‌شوند و عاملان فردی قادر به اصلاح، تغییر و بازسازی این ساختارها هستند. لذا باید با نگاهی انتقادی و فرارونده به شناخت ساختارها، مکانیسم‌های علی، نقش عاملان اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و نظام‌های ارزشی این عاملان پی برد و به نقد، اصلاح و بازسازی آنها پرداخت (باسکار، 2009).

در عرصه پژوهش تربیتی، رئالیسم انتقادی ضرورت این امر را ایجاب می‌نماید که در برابر مسائل تربیتی با نگاهی واقع‌گرایانه درپس تمامی مسائل تربیتی مکانیسم‌های علی را لحاظ نماییم و سعی در شناخت این مکانیسم‌ها با روشی استعلایی به منظور رسیدن به حقیقت آنها داشته باشیم (کورسون، 1999). همچنین با توجه به نقش عامل‌های فردی و ساختارهای اجتماعی در تحقق و بروز مسائل تربیتی و همچنین مسائل جهانی حیات بشری با روش انتقادی سعی در نشان دادن ماهیت اثر گذار این عامل‌ها و در نهایت اصلاح و زدودن تاثیرات محدودیت‌آفرین آنها از عرصه تعلیم و تربیت و حیات بشری باشیم (پور، 2005). روشی که استخراج می‌گردد در واقع نوعی انتقاد‌گرایی استعلایی نام دارد. یعنی با رویکردی انتقادی باید به شناخت ساختارها و عناصر پنهان واقعی تاثیر گذار بر مسائل تربیتی پرداخت و با حرکتی استعلایی به شرایط امکان



و حقیقت امور دست یافت و این امر زمینه اصلاح ساختارها و در نتیجه زمینه‌های بخشی را در پژوهش‌های تربیتی فراهم می‌نماید.

روش

از آنجا که باسکار در زمینه تعلیم و تربیت دارای کتاب یا مقاله‌ای نیست لذا روش به کار گرفته در این مقاله روش استنتاجی است. به این معنی که با مطالعه آثار منتشر شده در زمینه رئالیسم انتقادی، خصوصاً آراء روی باسکار و دیدگاه‌های تربیتی متأثر از آراء او به استنباط و استنتاج مبانی و اصولی برای روش انتقادی پرداخته ایم.

یافته‌ها

الف) چیستی پژوهش انتقادی: ماهیت پژوهش انتقادی در این دیدگاه خصوصاً آثار باسکار رویکردی انتقادی-استعلایی یا انتقاد فرارونده و مثبت تلقی می‌شود، به این معنا که در گام نخست با نقد ساختارها و عوامل و عناصر محدودکننده، در گام دوم با روش استعلایی و فرارونده به کشف حقیقت و لایه‌های پنهان و در پایان به اصلاح عوامل محدودیت‌آفرین باید پرداخت. در عرصه تعلیم و تربیت نیز روش پژوهش انتقادی این را می‌طلبد که در گام نخست با روشی اکتشافی در مواجهه با مسائل تربیتی و رویدادهای تربیتی به نقد تبیینی ساختارها، در گام دوم با گذر از سطح فعلیت و رسیدن به سطح حقیقی رویدادها و سوم با شناخت مکانیسم‌های علی اثرگذار بر خلق رویدادها و ساختارها به اصلاح ساختارها به پردازیم. بنابراین روشی که استخراج می‌گردد، دارای مراحل است، که به ترتیب شامل: 1- کشف حقیقت و لایه‌های پنهان. 2- نقد ساختارها و عوامل و عناصر محدودکننده. 3- اصلاح عوامل محدودیت‌آفرین و رهایی بخشی، می‌باشند.

ب) استلزامات و چگونگی: استلزامات رئالیسم انتقادی با توجه به اصولی است که شامل: 1- سطح بندی جهان در سه سطح واقعی، فعلیت و علی، 2- تاکید بر هستی و رویدادهای اجتماعی در قالب ساختار لایه لایه با سیستمی باز، 3- طبیعت‌گرایی انتقادی 4- سازه‌گرایی می‌باشد.

واژگان کلیدی: رئالیسم، انتقاد، استعلایی، طبیعت‌گرایی انتقادی، باسکار



منابع

- 1- باقری خسرو (1384) دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت.
- 2- سایر اندرو (1381) روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عماد افروغ.
- 3- Bhaskar .Roy (1998) *The Possibility of Naturalism A Philosophical Critique of the Contemporary Human Sciences*. By Rutledge.
- 4- Bhaskar .Roy.(2009) *Scientific Realism and Human Emancipation*.By Rutledge
- 5- Bhaskar .Roy (2010) *Inter disciplinarity and Climate Change Transforming knowledge and practice for our global future*. byRoutledge
- 6- Corson.David (1999).*Bhaskar's CriticalRealism and Educational Knowledge*.Education Department. Massey University. New Zealand
- 7- Groff .Ruth (2004) *Critical Realism. Post-positivism and the Possibility of Knowledge*.Routledge.Taylor& Francis Group
- 8- Houston .Stan (2001) *Beyond Social Constructionism: Critical Realism and Social Work* .British Journal of Social Work. 31. 845–861
- 9- Kelsh .Deborah. Dave Hill . Sheila Macrine(2009) *Class in Education*.Knowledge, pedagogy, subjectivity .This edition published in the Taylor & Francis e-Library
- 10- Livock Cheryl (2005) *A Critical realism methodology for examining alternative schooling programs for youth at risk*
- 11- Pleasants. Nigel (1999)*Wittgenstein and the idea of a critical social theory: a critique of Giddens. Habermas and Bhaskar*